

جغرافیای اقتصادی و شیوه‌های معیشت در چرام دوره اسلامی

حسن باستانی راد*

داریوش غلامی**

چکیده

چرام، نام منطقه ای جغرافیایی و نیز نام یکی از ایلات بزرگ در کهگیلویه است که به سبب برخورداری از شرایط مناسب طبیعی و جغرافیایی، توان‌مندی‌های ویژه ای در اقتصاد فارس، خوزستان، و دیگر سرزمین‌های اطراف داشته است. وجود زمین‌های حاصل خیز و مراتع و چراگاه‌ها، قرارگرفتن در مسیر جاده‌های مواصلاتی سواحل خلیج فارس به مرکز کشور، و حضور ایلات و عشایر سبب شده است ساکنان این منطقه در سه شیوه اقتصادی کشاورزی، دام‌داری، و تجارت نقشی مطلوب داشته باشند. از نظر جغرافیایی، قرارگرفتن دو بخش گرمسیر و سردسیر با دو اقلیم کاملاً متفاوت، در فاصله‌ای نزدیک در این منطقه، موجب شده است تنوع تولید محصولات بر توان اقتصادی آن بیفزاید. شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد ارجان، به‌مثابه شهر و مرکز تاریخی کوره قباد خوره (ارجان) فارس، سهمی از اقتصاد شکوفای خود را مدیون چرام بوده است. در این پژوهش کوشش می‌شود با استفاده از تحقیقات میدانی و واکاوی متون جغرافیایی و تاریخی، جغرافیای اقتصادی و شیوه‌های معیشت و دلایل شکوفایی اقتصادی چرام از منظر جغرافیایی بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: چرام، کهگیلویه، جغرافیای اقتصادی، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد ایلی.

۱. مقدمه

جغرافیای متنوع و چهارفصل و به تعبیری «هفت اقلیم» ایران سبب شده است نه تنها

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی h-bastanirad@sbu.ac.ir

** کارشناس ارشد تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) darus.gh01@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۱۵

بخش‌های گوناگون آن از تنوع طبیعی برخوردار باشند، بلکه گاه در هر شهر یا روستا و ولایتی از آن، چندین گونه اقلیم را بتوان مشاهده کرد. فاصله ییلاق‌های فرح‌بخش تا قشلاق‌های سوزان گاه به کم‌تر از ده کیلومتر می‌رسد و گاه فاصله بین روستاهای مرتفع‌تر از ۳ هزار متر با کویرهای سوزان و روستاهای گرمسیر یک منزل راه بیش نیست و این امر را در استان‌هایی چون خراسان، کرمان، سیستان و بلوچستان، فارس، یزد، و سمنان به‌خوبی می‌توان دید. همین ویژگی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری آبادی‌ها، شهرها، تکوین تمدن، و سکونت عشایر کوچنده بوده است.

چرام در کهگیلویه همین وضعیت را به‌خوبی نشان می‌دهد، و در بررسی وضعیت اجتماعی و اقتصادی مناطقی از ایران که برخوردار از دو گونه آب‌وهوایی متمایزند می‌توان آن را نوعی الگو دانست. این عامل جغرافیایی در سیر تاریخ اقتصادی این منطقه نقش مهمی داشته است و در این مقاله بیش‌تر تلاش بر آن است که نقش دوگونگی جغرافیای طبیعی در اقتصاد چرام بررسی شود. از این‌رو پرسش مهم تحقیق این است که، این عامل جغرافیایی چه تأثیری در اقتصاد و شیوه‌های معیشت چرام داشته است. در این‌جا تلاش می‌شود با بررسی متون تاریخی و جغرافیایی، تحقیقات میدانی، و از راه تحلیل داده‌ها جغرافیای اقتصادی چرام مورد تحقیق قرار گیرد.

۲. نام و نشان چرام

چرام (صُرام) (Coram) امروز یکی از شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد و نام ناحیه و ایلی در این استان است که در گذشته از ولایت‌های مهم فارس به‌شمار می‌رفته است و اکنون در تقسیمات کشوری حدود ۱۱۱۳ کیلومتر مربع وسعت دارد (فرمان‌داری چرام). پیشینه تاریخی این سرزمین دست‌کم به دوره ایلامیان و هزاره دوم پیش از میلاد می‌رسد. بخش اصلی چرام جزو ارجان بوده است؛ ناحیه‌ای که بنا به یافته‌های باستان‌شناختی و از آن میان جام مشهور ارجان (ارگان) پیشینه‌ای تاریخی تا دوره ایلامیان دارد (صراف، ۱۳۶۹: ۴-۶؛ مجیدزاده، ۱۳۶۹: ۱۱-۲۶). چرام دو بخش سردسیری و گرمسیری دارد که در دوره ساسانیان در محدوده دو کوره مهم از پنج کوره فارس قرار می‌گرفت: کوره شاپور (شاپورخوره) و کوره قباد (قبادخوره) که در واقع چرام باستانی یکی از بخش‌های شمالی قبادخوره (کوره ارجان) بود و کرسی این ولایت، ارجان، از شهرهای مهم فارس بوده است. ارجان در دوره اسلامی نیز رشد و توسعه یافت و حتی

بلاد شاپور بخشی از آن بود و چرام (صرام)، که دارای منبر هم بود، از نواحی آن به‌شمار می‌رفت (اصطخری، ۲۰۰۴: ۱۱۲ - ۱۱۳). چرام، به دلیل برخورداری از دو بخش گرمسیری و سردسیری، از موقعیت طبیعی مناسبی برخوردار بود و نقش مهمی در گستره اجتماعی و اقتصادی آن کوره داشت. این منطقه تا دوره صفویه یکی از مناطق فارس بود و از آن پس، بخشی از کهگیلویه^۱ به‌شمار آمد.

واژه‌شناسی تاریخی چرام نشان‌دهنده آن است که نام این منطقه ریشه در زندگی شبانی مبتنی بر دام‌داری دارد. در فرهنگ‌های لغت «چرام بر وزن عوام، چراگاه حیوانات و علفزار» و نیز «چرامین، چراگاه حیوانات» معنی شده است (خلف تبریزی، ۱۳۶۲: ذیل «چرام» و «چرامین»). برخی پژوهش‌گران نیز «چرام» را برگرفته از «چرامین» می‌دانند (گاوبه، ۱۳۷۷: ۸۹؛ اقتداری، ۱۳۵۹: ۷۳۵). پیوند واژگانی چرام با زندگی شبانی را می‌توان نخستین نشان از شیوه زندگی مبتنی بر دام‌داری و اقتصاد شبانی دانست. واژه چرام در متون دوره اسلامی به صورت معرب هم بیان شده است، چنان‌که یاقوت حموی در *معجم البلدان* صرام را روستایی در فارس دانسته که نام آن «معرب‌شده چرام» است (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲/۳۹۹). چرام بخشی از رم جیلویه، از مناطقی که در قرون نخستین اسلامی محل استقرار کردان بود، به‌شمار می‌آمد. ابن بلخی مناطق (رم/رم) عشایر گرد در فارس و خوزستان را چنین معرفی کرده است: «به روزگار کردان فارس پنج رم بوده‌اند، هریک رم صد هزار حومه، به این تفصیل رم جیلویه، رم الذیوان، رم اللوالجان، رم الکاریان، رم البازنجان» (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۱۶۸). «رم جیلویه» را از جمله رم‌های فارس دانسته‌اند که چرام بخشی از آن بوده است. در منابع، رم به معنی مکان قبیله گرد و آکراد به معنی چادرنشینان به‌کار رفته است. ابن خردادبه و ابن حوقل مانند دیگر جغرافی‌دانان قرن‌های سوم و چهارم قمری (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳۹؛ اصطخری، ۱۳۷۲: ۹۶)، درباره این زموم و پیشه و مکان آن‌ها اطلاعاتی بیان کرده‌اند. ابن خردادبه معنای این نام‌واژه‌ها را مشخص‌تر می‌نمایاند و در توضیح زموم (رموم) و گردان فارس می‌نویسد:

و آن چهار سرزمین است و زموم به معنی محال کردها باشد و از جمله آن‌ها: زم حسن بن جیلویه که بازنجان نام دارد و فاصله‌اش تا شیراز چهارده فرسخ است و زم اردام بن جوانه که فاصله‌اش تا شیراز بیست و شش فرسخ است و زم قاسم ابن شهر براز که کوریان نام دارد و فاصله‌اش تا شیراز پنجاه فرسخ است و زم حسن بن صالح که سوران نام دارد و فاصله‌اش تا شیراز هفت فرسخ است ... (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۳۹).

۳. جامعه ایلی چرام

چنان‌که از منابع جغرافیایی و تاریخ‌نوشته‌های دوره اسلامی برمی‌آید، در قرون نخستین اسلامی چرام جزو مناطق مورد توجه کوچ‌روها بود و بخشی از کردان در این محدوده به سر می‌بردند (اصطخری، ۱۳۷۲: ۹۶؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۳۹). این منطقه همواره مورد توجه ایلات و عشایر بوده است. در دوره سلجوقیان دسته‌ای از افشارها نیز در مسیر خود برای کوچ به خوزستان در آن‌جا ساکن شدند (افشار، ۱۳۷۳: ۱/ ۲۳۴؛ کسروی، ۱۳۸۴: ۶۲). حدود دهه ۵۴۰ ق دسته‌های بیش‌تری از افشارها در محدوده‌ای، که کهگیلویه خوانده شد، سکونت یافتند و از آن پس ایلاتی چون «قرلیق» (خلج)، «اوشیر» (اوشار/ افشار)، بیگدلی، آغاجری، و سپس قشقایی در این مناطق شکل گرفتند (مجیدی، ۱۳۸۱: ۲۲۲). در آن زمان یعقوب بن ارسلان افشری، افشارها را در خوزستان سکنی داد و سنقور بن مودود بن سلغری در کوه‌گیلویه سکونت کرد. سنقور نیز در سال ۵۴۳ ق علیه حکومت سلجوقیان خروج کرد؛ تا آن‌جا که سلجوقیان را شکست داد و «افسر سلطنت بر سر نهاد؛ یعقوب بن ارسلان [نیز] بارها از خوزستان لشکر کشید و میان او و اتابک سنقور محارباتی واقع شد» (وصاف‌الحضره، ۱۳۷۲: ۸۹).

نام چرام هم به منطقه وسیعی از کهگیلویه و هم به ایل بزرگی در این منطقه اطلاق می‌شود. از مهم‌ترین ایلات منطقه چرام، ایل موسوم به چرام است که در منابع یکی از طوایف ایل‌های «چهار بنیچه» نام برده شده است. *فارسنامه ناصری* در دوره ناصرالدین شاه قاجار، با تقسیم‌بندی فارس به بلوک‌های چندگانه و در توضیح بلوک کوه‌گیلویه، آن بلوک را به دو ناحیه پشت‌کوه و زیرکوه تقسیم می‌کند و منطقه چرام را از نواحی پشت‌کوه می‌داند. فسایی، ایل‌های کهگیلویه را به سه ایل آقاجری (آغاجری: ایل ترک‌زبان)^۱، باوی (ایل عرب)^۲ و جاکلی (ایل لر)^۳ تقسیم می‌کند. وی ایل جاکلی را نیز به دو دسته لیراوی و چهار بنیچه تقسیم می‌کند که چهار طایفه بویراحمد، نویی، دشمن‌زیاری، و چرام تشکیل‌دهنده آن چهار بنیچه بودند (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۲/ ۱۴۷۹). بدین‌سان در عصر قاجاریه، چرام را یکی از طوایف ایل چهار بنیچه منتسب به ایل جاکلی از الوار کهگیلویه برشمرده‌اند. طایفه چرام در عصر قاجار رشد شایان توجهی داشت. آن طایفه امروز یکی از بزرگ‌ترین ایلات منطقه شناخته می‌شود و خود به چندین طایفه و هر طایفه به چندین تیره تقسیم می‌شود که از آن میان طوایف آرنندی، گلبار، دیلگانی، و گشتاسبی را می‌توان نام برد.

۴. تأثیر اقتصادی جغرافیای چرام

برخورداری منطقه چرام از چراگاه‌های وسیع و گسترده تأییدی است بر تأثیر طبیعت و اقلیم در نام‌گذاری این منطقه و در پیوند با زندگی شبانی؛ چنان‌که طبیعت و اقلیم سرزمین چرام آن را در حکم پرآب‌ترین ناحیه در کهگیلویه و بویراحمد و برخوردار از مراتع مهم، مورد توجه دام‌داران و کوچ‌روها قرار می‌داد. از دیگر سو، جاری بودن رودها و وجود چشمه‌های دائمی و پرآب در این منطقه، جلگه چرام را به مهم‌ترین جایگاه کشاورزی کشت برنج و حبوبات و باغ‌های سردسیری و گرمسیری در منطقه تبدیل کرده است. بی‌گمان یک عامل مهم جغرافیایی در این وضعیت اقلیمی تأثیر گذاشته است: در منطقه چرام، مانند بسیاری از مناطق کوهپایه‌ای در ایران، اختلاف ارتفاع زیادی وجود دارد. مناطق مرکزی و جنوبی فارس و مناطق جنوبی کرمان نیز چنین وضعیتی دارند. باغ‌های سردسیر در دامنه کوه‌های فراتر از ۲۵۰۰ متر قرار گرفته‌اند و در شیب تند مشرف بر مناطق گرمسیری‌اند. این امر موجب می‌شود تنوع اقلیمی شرایط بهره‌برداری از محصولات گرمسیر و سردسیر را توأمان فراهم کند و برای دام‌داران کوچ‌رو مناطقی مانند چرام از آن رو مناسب است که در اندک زمانی بین ییلاق و قشلاق کوچ می‌کنند. این تأثیر را در تولید محصولات کشاورزی نیز می‌توان دید. مقدسی هم در هزار سال پیش این موضوع را به‌خوبی دریافته بود. وی در بیان محصولات ارجان می‌نویسد: «قصبه‌ای است با ساختمان‌های استوار، پر خیر، با شهرهای بزرگ و مردم مرفه هم یخ دارد هم خرما!» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۳۴). سرزمین‌هایی که از چنین ویژگی اقلیمی برخوردارند، در هر چهار فصل سال میوه و محصول خواهند داشت؛ بیش‌تر نواحی مرکزی و جنوبی ایران از این ویژگی برخوردار و نشان‌دهنده تنوع اقلیمی در سرزمین هفت‌اقلیم ایران‌اند.

بخش مهمی از چرام گرمسیری را جلگه تشکیل داده است و پیرامون آن را از هر سو کوه‌ها احاطه کرده‌اند. وجود دو رودخانه «طغار» و «نازماکان» در کنار این جلگه و نهرهای معروف «رود سیاه»، «چشمه بلقیس»، «برکه‌نا»، «کورکی»، «کورسا»، و دیگر نهرهای پرآب سبب شده است این جلگه به پرآب‌ترین منطقه گرمسیری و سردسیری کهگیلویه و بویراحمد تبدیل شود. در منابع گوناگون، این جلگه «بساتین بلاد شاپور» نام برده شده است (باور، ۱۳۲۴: ۱۰۴). صاحب آثار البلاد و اخبار العباد، در توصیف بلاد شاپور، به نقل از بشاری می‌نویسد:

۶ جغرافیای اقتصادی و شیوه‌های معیشت در چرام دوره اسلامی

شهر شاپور، شهری است باصفا و در آنجا میوه‌های گرمسیری و سردسیری به هم رسند. دهات آن شهر از کثرت باغات به هم متصل اند و روندگان همیشه در زیر سایه درختان روند و در هر فرسخی بقالی و خبازی نشسته (قزوینی، ۱۳۷۳: ۲۵۷-۲۵۸).

این توصیف قزوینی از بلاد شاپور و روستاهای متصل به هم و پردرخت را جز چرام به نواحی دیگر از بلاد شاپور قدیم نمی‌توان تعمیم داد. حسینی منشی نیز در حدود سال ۱۰۸۲ ق درباره جریان رودخانه‌ها در چرام بیان می‌کند که «رودخانه‌های متعدد از آنجا گذشته و به بهبهان و زیدون جریان نموده، ضمیمه دریای فارس می‌گردد» (حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۳۳).

در قریه‌های چرام آسیاهای آبی متعدد وجود دارد که هنوز بقایای آن‌ها را می‌توان مطالعه کرد. دست کم آن‌که وجود این آسیاها که نشان‌دهنده فراوانی آب و خروشان رودخانه‌هاست از یک سو و تولید غلات، و از آن میان گندم، از سوی دیگر است که چرام را برازنده نام «انبار گندم» کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۳۴). وجود ده‌ها آسیای آبی در منطقه چرام دلیل رونق کشاورزی از دوره‌های گذشته تاکنون است. طاهری در توصیف تل بابونه (بلوک بیشه‌نشین) ضمن بیان اهمیت کشاورزی این منطقه توضیح می‌دهد:

تل بابونه میان دو رود پرآب، که از چرام سرچشمه می‌گیرد، واقع شده است. بیش از ده آسیاب آبی، در شیب‌های کشتزار، شبانه‌روزی در چرخش و غرش‌اند و غلات طایفه‌های دور و نزدیک را خرد و آرد می‌کنند. در آستانه آسیاها آنقدر آدم و بار و حیوان فراوان است که انگار اردوهای فراریان جنگ گرد هم آمده‌اند. نوبت بار آسیابی هر قافله‌ای به گذشت روزهایی می‌رسد تفنگ‌چینی برای حفاظت کاروان‌ها از دست‌برد شب‌گردان، در تک و پویند (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۲).

با توجه به سبک معماری آسیاهای آبی چرام، و مصالح آن‌ها که ساروج و سنگ است، این آسیاها باید مربوط به دوره‌های آغازین اسلامی و حتی پیش از اسلام بوده باشند و این یکی از نشانه‌های رونق محصولات غلات از گذشته در چرام است.

برخورداری منطقه از آب فراوان و شرایط مناسب در اقتصاد کشاورزی و عشایری همواره موجب پویایی اقتصادی آن شده است. این رویکرد در منابع تاریخی بازتاب داشته است و بیش‌تر جغرافی‌دانان به آن اشاره کرده‌اند. ابن بلخی در این باره معتقد است:

چرام و بازرنگ دو ناحیت است میان زیز و سمیرم؛ هوای آن سردسیرست بغایت قهستانی، آب دشوار و آب‌های روان و سال تا سال برف از کوه‌های آن دور نشود و نخچیر بسیار

حسن باستانی راد و داریوش غلامی ۷

باشد و منبع رود شیرین از بازرنگ است و حومه و ناحیت صرام. و مردم آنجا بیش تر مکاری باشند (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۱۴۴).

این توصیف در منابع قرون میانه مانند *نزهة القلوب* حمدالله مستوفی (۱۳۷۸: ۱۸۶) و *جغرافیای حافظ ابرو* هم تکرار شده است و از آن میان حافظ ابرو در توصیف منطقه کهگیلویه بیان می کند:

این منطقه کوهستانی است، نواحی بسیار دارد و حومه آن زیر است و هوای آن سردسیر است. آب روان بسیار و دیه‌ها داشته است، اما در روزگار فترت و استیلای ملحدان خراب گشته. درختستان و میوه بسیار دارد و نواحی آن به سمیرم نزدیک است و نخچیرگاه است (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۲/۱۳۶).

حافظ ابرو در بیان موقعیت سی سخت (سیسخت)، از چرام (صرام) نام می برد، اما به معرفی آن نمی پردازد و علاوه بر منطقه بلاد شاپور در حکم منطقه ای گرمسیری (دهدشت فعلی و گرمسیر چرام) به توصیف کهگیلویه به مثابه یک ناحیه مجزا از بلاد شاپور می پردازد. حافظ ابرو کهگیلویه را کوهستانی سردسیر و نخچیرگاه معرفی می کند و مطابقت نوشته حافظ ابرو با توصیف ابن بلخی و حمدالله مستوفی از چرام (صرام) نشان می دهد که منظور حافظ ابرو از کهگیلویه همان منطقه سردسیر چرام است. داده های تاریخی منابع حکایت از آن دارد که حدود جغرافیایی چرام در آن زمان کاملاً در مناطق سردسیری بود و بخش گرمسیر فعلی در قرون نخستین اسلامی و نیز در دوره ساسانیان نام شاپور و بلاد شاپور داشت. ابن بلخی، در توضیح خود، چرام را بخشی از کوره شاپور معرفی می کند. در این توصیف چرام سرزمینی کوهستانی، برف گیر، سردسیر، سرچشمه رودخانه شیرین، و شکارگاه معرفی شده است. گاو به که تحقیقات میدانی مفصلی در این ناحیه انجام داده است درباره حدود جغرافیایی چرام معتقد است:

این ناحیه شامل سرزمین کوهستانی بین دره سرفاریاب و دره تل خسروی می گردید. در این ناحیه ویرانه های شهر قدیمی قرار دارد به نام سادات که بایستی اسم قدیم آن همان 'صرام' باشد (گاو به، ۱۳۷۷: ۱۳۱).

پاول شوارتس نیز چرام را از نواحی سردسیر بلاد فارس می داند و آن را آخرین کوره شاپورخوره و بدون مسجد گنبددار توصیف می کند (شوارتس، ۱۳۸۲: ۳۷، ۷۰). بررسی منابع نشان می دهد که در قرن های نخستین اسلامی و در دوره طلایی ارجان، چرام تابع این شهر در حکم کرسی قبادخوره بود و از زمان زوال ارجان پس از دوره آل بویه، این منطقه

از ارجان جدا شد و به کوره شاپور پیوست. در این صورت پیوند گرمسیر و سردسیر آن بهتر دانسته می‌شود.

گأوبه معتقد است چرام قرون میانه را نباید با ناحیه کنونی یکی دانست. این ناحیه از آغاز دوره صفویان چرام خوانده می‌شود و ناحیه چرام در قرون میانه به بلاد شاپور تعلق داشته است (گأوبه، ۱۳۷۷: ۱۳۲). منظور وی بخش گرمسیری فعلی چرام است که به بلاد شاپور مشهور بود و از زمان صفویه قسمتی از آن به بخش سردسیر چرام اضافه شد. برای تبیین این موضوع ابن بلخی توضیح خوبی دارد: «بلاد شاپور میان پارس و خوزستان است. نواحی خراب و به روزگار قدیم سخت آباد بوده است، اما اکنون خراب شده است و گرمسیر معتدل است و آب‌های روان دارد» (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۱۴۷).

این توضیح مبتنی است بر این‌که بلاد شاپور، منطقه‌ای گرمسیری در ارجان قدیم، منطقه گرمسیری فعلی چرام و برخوردار از آب‌های دائمی، چشمه‌سارها، و رودهای دائمی بود و منطقه پرآب یادشده در توصیف تاریخ‌نوشته‌های جغرافیایی از دوره صفویه در حکم منطقه گرمسیری، در کنار منطقه سردسیر صرام (چرام)، به خاک چرام اضافه شد. بررسی منابع قرن‌های نخستین اسلامی تا دوره صفویه، با توجه به قلمرویی که برای ارجان دوره اسلامی مشخص کرده‌اند، نشان می‌دهد بسیاری از محصولات تولیدی که به نام ارجان شهرت یافته‌اند مربوط به «پشت‌کوه ارجان» بوده است که چرام بخشی از این ناحیه به‌شمار می‌رود.

جامعه کشاورز و کوچ‌رو چرام، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی این منطقه، نقش مهمی در اقتصاد شهرهایی چون ارجان داشته‌اند و همین امر راه‌های مهم تجاری را از این منطقه گذر داده است. با همه این‌ها، جز توصیف‌های اندک و بسیار پراکنده در منابع و شماری از آثار معماری در پیوند با اقتصاد منطقه مانند بستر راه‌ها، قلعه‌های راهداری، کاروان‌سراها، نشانه‌های باستان‌شناختی، و البته تحقیقات میدانی آگاهی‌های مهمی درباره جزئیات اقتصادی برای بررسی اهمیت اقتصادی چرام در گذشته نمی‌توان به دست آورد. از این‌رو، بررسی تطبیقی اقتصاد گذشته و امروز منطقه با داده‌های فوق ممکن است به بازسازی توان‌مندی‌های اقتصادی این منطقه بینجامد.

با توجه به قلمرو قبادخوره و ارجان در اواخر دوره ساسانی و قرن‌های نخست اسلامی، چرام یک بخش از ارجان بود^۵ و تا دوره صفویه مشتمل بر کوهستان‌های سردسیری بود (گأوبه، ۱۳۷۷: ۱۳۱). از دوره صفویه و با شکل‌گیری حاکم‌نشین کهگیلویه، چرام یکی از

مناطق مهم آن بود تا جایی که دو واقعه مهم تاریخی آن دوره در چرام شکل گرفت.^۶ تذکره الملوک «کوه گیلویه» را هشتمین بیگلربیگی از سیزده بیگلربیگی ایران و در مرتبه‌ای پایین‌تر از ولایات دانسته و در جای دیگر «کوگیلوی» (کهگیلو) را بیگلربیگی زیر مجموعه فارس شناخته که «دوازده هزار تومان» موجب تیول و امرای آن بوده است (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۵، ۸۵). ریاض الفردوس در همین دوره چرام را منطقه‌ای سردسیری و گرمسیری می‌داند و در توصیف سرزمین چرام می‌نویسد:

چرام نیز از مضافات بلاد شاپور است و محتوی است بر قراء و مواضع بسیار و ییلاق و قشلاق بی‌شمار و ... رودخانه‌های متعدد از آن‌جا گذشته به بهبهان و زیدان جریان نموده ضمیمه دریای فارس گردند ... این محال مخصوص الوار ممسنی بلاد شاپور باشد و اسامی طوایف ایشان بر این موجب است: گشتاسبی، گرشاسبی، زیلائی، بادلانی، تومانی، دلاوری، دشمن‌زیاری، میکوهکی، چهار روستاق، گیوه مویی، حسن عالی، بویراحمد اردشیری، بویراحمد عباسی، قلندر بویری (حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۳۳).

در این دوره چرام علاوه بر مناطق سردسیر (ییلاق) به نواحی گرمسیر نیز اطلاق شده است. قسمت زیادی از بلاد شاپور آن زمان و همچنین نواحی گرمسیری گچساران فعلی واقع در «شاه بهرام» و «شام براکان» تا «آرو»، علاوه بر گرمسیر فعلی چرام، ضمیمه چرام بوده‌اند و با توجه به طوایفی که نام برده شد مناطق سردسیر آن، علاوه بر مناطق سردسیر فعلی، شامل مناطق بویراحمد سردسیر و بویراحمد سفلی و دشمن‌زیاری بوده است و با این توصیف دهدشت، به‌مثابه پایگاه حکومتی (اغلب حکومت‌گران افشار)، نماد حکومتی آن زمان، بقیه مناطق ایلداری و کوهستان‌های گرمسیر و سردسیر، و طوایف مهمی ضمیمه چرام بوده‌اند. با قدرت‌یابی نادرشاه در ایران تغییراتی در ترکیب قومی کهگیلویه به‌وقوع پیوست (باور، ۱۳۲۴: ۲۵؛ تقوی‌مقدم، ۱۳۷۷: ۸۲ - ۸۳) و طایفه الوار ممسنی چرام فروپاشید. منابع محلی شکل‌گیری ایل جدید چرام را از دوره نادری می‌دانند (غفاری، ۱۳۷۴: ۳۵). با شکل‌گیری ایل‌های جدید، مناطقی از چرام دوره صفوی از آن جدا شدند و سرزمین چرام به قلمرو ایل تازه‌شکل‌گرفته تبدیل شد که سرزمینی با دو بخش گرمسیری و سردسیری بود.

۵. شیوه‌های تولید و معیشت

چرام، بیش از آن‌که متکی بر ساختار اقتصاد شهری و صنایع باشد، مبتنی بر شیوه‌های تولید

کشاورزی و دام‌داری بوده است. از آن‌جا که ساختار اقتصادی هر منطقه با توجه به اقلیم آن شکل می‌گیرد، توانایی‌های ویژه هر منطقه نیز پایه و اساس معیشت ساکنان آن منطقه به‌شمار می‌آید. بر این اساس، در چرام نیز با توجه به توانایی‌ها و استعداد‌های این سرزمین ساختار اقتصادی آن طی دوره‌های گذشته شکل گرفته بود. در مورد توانایی‌های طبیعی چرام در این پژوهش مطالبی آورده شده و در طول دوره‌های گذشته با تکیه بر منابع هر دوره بر اهمیت جایگاه اقتصادی چرام تأکید شده است. جلگه چرام با نهرها و چشمه‌های فراوان همواره آبادترین ناحیه بلاد شاپور باستانی معرفی شده و در حکم مهم‌ترین ناحیه کشاورزی کهگیلویه و بویراحمد همواره معروف بوده است. به سبب وجود این جلگه و آب فراوان، محصولات «فاریابی» مثل محصولات باغی، برنج، و حبوبات در آن به‌دست می‌آمد. وجود ۵۹۷۲ هکتار زمین فاریابی (کشت آبی) و همچنین ۳۳۹۵ هکتار زمین دیم دلیلی بر اهمیت کشاورزی آن است (اداره کشاورزی چرام). با توجه به این توانایی‌ها، شیوه‌های معیشت، که تشکیل‌دهنده ساختار اقتصادی است، و مهم‌ترین فعالیت‌های اهالی چرام برای کسب درآمد دو شیوه تولیدی کشاورزی و دامی بود و تولیدات، صنایع دستی، و تجارت در پیوند با این دو شیوه معنا می‌یافت.

۶. اقتصاد کشاورزی

تنوع جغرافیایی و آب و هوایی منطقه چرام شرایط آن را برای تولید محصولات مختلف کشاورزی فراهم می‌کرد. چنان‌که بیان شد، مقدسی در قرن چهارم ارگان را «قصبه‌ای با ساختمان‌های استوار، پر خیر، با شهرهای بزرگ، و مردم مرفه» می‌داند که خرما، لیمو، انگور، زیتون، انجیر، گندم، و بیش‌تر محصولات باغی و صیفی‌جات در آن به‌عمل می‌آمد و حتی «انبار فارس و عراق و بارانداز خوزستان و اصفهان» بود و منطقه‌ای که بازار گندم آن شهرت بسیار داشت و مقدسی «به از بازار گندم ایشان ندیده [بود]» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۳۴).

برخورداری از محصولات گوناگون در فصول مختلف سال در رونق تجاری منطقه نیز تأثیر داشت. با توجه به این‌که بلاد شاپور باستانی منطقه گرمسیری و پرآب و حاصل‌خیزی بود و مناطق سردسیری ارجان قدیم در قلمرو جبل جیلویه (کوه گیلویه) قرار داشت، منابع به‌درستی از وجود یخ و خرما در نزدیکی هم و نیز از انگور، گردو، گندم، زیتون، انجیر، عسل، و ... و نقش تجاری چرام در باراندازبودن برای خوزستان و اصفهان و گذرگاه‌بودن آن برای رسیدن به اصفهان و مرکز ایران یاد کرده‌اند. محصول عسل نیز در حکم یکی از

محصولات صادراتی ارجان مشهور بود (اشپولر، ۱۳۷۹: ۲/ ۲۱۹) و در دوره صفویه یکی از مهم‌ترین محصولات چرام معرفی می‌شد (حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۳۳). در قرن هشتم قمری، نیز مستوفی در توصیف ارجان از انار «ملیسی» که نیکو و متعلق به ارجان بوده است نام می‌برد (مستوفی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۸۸). باغ‌های کهن انار در منطقه چرام تا چند دهه پیش وجود داشت و گواهی بر قدمت تولید این محصول بود (رخش خورشید، ۱۳۴۷: ۱۹). هنوز هم چرام در تولید انار و انگور جزو مناطق مهم به شمار می‌رود. اقتداری در این‌باره توضیح می‌دهد که:

در سراسر ارتفاعات رو به پایین در بیش تر کوهستان این منطقه آب‌رسانی و جوی و بند و نهر و فاریاب و قنات و دژ و برج و بارو آشکار است و جای باغ‌های میوه، به‌خصوص باغ انار، هنوز به صورت ویرانه‌های قدیمی باقی مانده است (اقتداری، ۱۳۵۹: ۵۰۱).

دو طایفه «آرند» و «بناری» در دو روستا به همین نام‌ها ساکن‌اند که به نقل از پیشینیان خود از وجود باغ‌های انجیر کوهی (دیم)، انار، و به‌خصوص زیتون و پرداخت مالیات با محصول میوه زیتون گزارش می‌دهند. باور در سال ۱۳۲۴ مهم‌ترین محصولات چرام را به این شرح نام می‌برد: «جو، گندم، برنج، تنباکو، تریاک، کنجد، حبوبات از هر قسم» (باور، ۱۳۲۴: ۱۰۵). تریاک به‌مثابه یکی از محصولات جلگه چرام در سه دهه اول دوره پهلوی به اقلام تولیدی این سرزمین اضافه شد. اهالی بومی این جلگه از تولید و فراوانی بسیار زیاد تریاک در چرام گزارش می‌دهند که همه این تولیدات در بهبهان به فروش می‌رسید و کم‌ترین مقدار آن به مصرف داخلی اختصاص داشت. طبق اظهار ساکنان چرام به‌ندرت شاید پیرمردی یافت می‌شد که از تریاک استفاده کند و همه آن محصول را پیله‌وران بهبهانی خریداری و به بهبهان منتقل می‌کردند.

ابن حوقل با معرفی محصولات کشاورزی ارجان و تأکید بر گرمسیری و سردسیری بودن آن‌ها، گردو را نیز از محصولات ارجان نام می‌برد و در توضیح زموم فارس بر آبادانی و پرنعمتی رم جیلویه که چرام یک بخش از آن بوده است، تأکید می‌کند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳۸-۳۹). هرچند ارجان تنوع محصول داشته، اما با دقت در فهرست میوه‌های ذکر شده مشخص می‌شود که برخی از آن‌ها به حومه ارجان یا منطقه پشت‌کوه اختصاص داشته است؛ مثلاً گردو که در گزارش ابن حوقل از میوه‌های ارجان آمده، بدون هیچ تردیدی مربوط به کوهستان‌های سردسیر چرام و دیگر بخش‌های صحرای «رون»^۷ (پشت‌کوه) بوده است. باغ‌های فراوان انگور و همچنین انجیرهایی که به شکل وحشی در کوهستان‌های

چرام وجود داشته است و هنوز هم می‌روید، و گزارش ساکنان آن‌جا از محل‌هایی که در کوهستان‌ها برای استخراج شیره انگور تهیه کرده بودند، همه نشان از توان تولیدی این کوهستان‌ها اعم از گرمسیری و سردسیری دارد.

طبیعت کوهستان‌ها یکی از تأمین‌کننده‌های نیازهای ساکنان چرام بود. *فارسنامه ناصری* از رویش انواع سبزی‌های خوردنی و گیاهان دارویی در زمین کهگیلویه خبر می‌دهد و معیشت مردم پشت‌کوه کهگیلویه (سردسیر و گرمسیر) را از ثمره بلوط می‌داند. رشته‌کوه زاگرس و از آن میان محدوده غربی و شمالی فارس و کهگیلویه و بویراحمد جزو مهم‌ترین مناطق جنگلی ایران‌اند که دارای درختان بلوط‌اند. این درخت و درختان دیگری مانند بادام کوهی، بنه، و محصولی به نام حب‌المحلب، که به هند صادر می‌شد تا در تولید ادویه به‌کار رود، نیز در اقتصاد مردم این منطقه نقش مهمی داشتند. میرزا حسن فسایی در این‌باره می‌نویسد:

در همه جا از درخت بلوط و بنه و بادام کوهی جنگل‌ها و در سردسیر علاوه بر آن درخت‌ها، درخت کیالک و درخت انچوکک (امرود کوهی) فراوان باشد و از ثمر آن‌ها توشه بگیرند و انواع سبزی‌های خوردنی در زمین کوه‌گیلویه فراوان است و معیشت مردم پشت‌کوه از ثمره بلوط است (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۲/ ۱۴۶۹).

در دوره صفویه چرام موقعیت پیشین خود را در کشاورزی و باغ‌داری حفظ کرد. به گواه منابع آن دوره، «انواع فواکه و اثمار لطیفه در آن محال به حاصل آید و عسل مصفا و گزآنگین سفید خوب دارد» (حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۳۳). گمان می‌رود که در آن دوره این منطقه (چرام) آباد و پرمحصول بوده باشد. پس از انقراض سلسله صفویه، در دوره فترت و هرج و مرج تا به حکومت رسیدن و استقرار سلطان اویس میرزا احتشام‌الدوله (نوه عباس میرزا)^۸ در کهگیلویه و بهبهان، ناحیه پشت‌کوه (کهگیلویه) دچار ناامنی شد، به‌شکلی که دهدشت حاکم‌نشین ایالت کهگیلویه دچار غارت شد و ساکنان آن به شهرهای اطراف مهاجرت کردند (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۲/ ۱۴۸۸). در این دوره هرج و مرج چرام دچار ناامنی شد و جلگه آباد آن به بیشه‌ای بدون امنیت و آبادی تبدیل شد (باور، ۱۳۲۴: ۱۰۴). گزارش گرمرودی به‌روشنی بر حاصل‌خیزی و تأثیر منفی ناامنی‌های دوره قاجاریه در اقتصاد چرام تأکید دارد (گرمرودی، ۱۳۷۰: ۱۵۸-۱۵۹)^۹.

۷. اقتصاد شبانی (عشایری)

وجود دو اقلیم گرمسیر و سردسیر و کوهستان‌های گسترده سبب شده است دام‌داری یکی

از شیوه های مهم تولید مردم چرام باشد. تنوع آب و هوایی، نیاز دام به چراگاه و وجود چنین چراگاه‌هایی، و همچنین توصیف آن‌ها در منابع قرون اولیه اسلامی با نام «رم جیلویه» نشان‌دهنده اهمیت دام‌داری در معیشت مردم سرزمین چرام است. به دلیل برخورداری منطقه از شرایط بیلاق و قشلاق، این سرزمین مستعد پرورش دام بود و پاره‌ای از طوایف چرام اقتصادی مبتنی بر دام‌داری داشتند و هنوز هم برخی از آنان به این شیوه روزگار می‌گذرانند. طوایف بایاری، شیخ گلبار، بناری‌ها، آرندی‌ها، و دیلگانی‌ها از مهم‌ترین دام‌داران کوچ‌رو چرام به‌شمار می‌روند. نوع دام نیز با توجه به اقلیم چرام متفاوت است. نوع دام‌های اهالی کوچ‌رو بیش‌تر بز، گوسفند، و چهارپایان است در حالی که، در جلگه چرام که مردمانش اقتصادی مبتنی بر کشاورزی دارند و در کنار کشاورزی به پرورش دام برای تأمین نیازهای خود اقدام می‌کنند، نوع دام با توجه به شرایط طبیعی جلگه متفاوت است. گاو و الاغ برای بارکشی مهم‌ترین دام‌های ساکنان جلگه‌اند. گاو علاوه بر تأمین شیر و گوشت نقش مهمی در شخم‌زدن زمین و دروکردن محصول داشت. الاغ نیز در شخم‌زدن زمین‌های تپه‌ای و دیم و بارکشی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

یکی از تولیدات دامی «مو» و «پشم» بزها و گوسفندان بود و همچنین از پوست حیوانات معمولاً ظروفی برای نگه‌داری دوغ، ماست، کره، تنقلات، و آب درست می‌کردند. کار رنگ‌رزی پشم با کمک گیاهانی که در کوهستان‌ها می‌رویدند و به دست بانوان عشایر انجام می‌شد. مهم‌ترین مواد اولیه تولید رنگ عبارت بود از موادی از درخت کیکم (افرا)، گیاه روناس، برگ درخت خشک، زاج، پوست میوه انار، کاه، نیل، پوست میوه گردو، گیاه جاشیر، پوست میوه بلوط، و مازوی (جفت) آن. استفاده از گیاهان و درختان در رنگ‌رزی و دست‌بافته‌ها از دیگر توان‌مندی‌های اقتصادی چرام است.

مهم‌ترین دست‌بافته‌های عشایری در این منطقه عبارت‌اند از: گبه، جاجیم، قالیچه، تربه، رو رخت‌خوابی، گلیم، نمد و کالون (پالون/شال چهارپا)، شله، وریس،^۱ بنه، خورجین، کیفار (فلاخن)، آینه‌دان، سیاه‌چادر، و قسمت‌های بهون (سیاه‌چادر). دست‌بافته‌های عشایری، مثل گبه و گلیم و قالی و قالیچه، ارزش صادراتی و تهیه درآمد و بقیه دست‌بافته‌ها مصرف داخلی داشتند.

۸. توان‌مندی‌های تجاری

وجود آب‌های دائمی، اقلیم دوگانه، وضعیت خاص جغرافیایی، خاک حاصل‌خیز، تولید

انواع محصولات کشاورزی، غنای تولیدات دامی، و موقعیت جغرافیایی کوهستان‌های چرام سبب می‌شد این منطقه در حکم بخشی از دالان ارتباطی جنوب به نواحی مرکزی کشور همواره مورد توجه قرار گیرد. از نظر تاریخی، شهر ارجان خود نیز انگیزه مهمی بود و، گذشته از محصولات کشاورزی، بازار مهم ارجان هم کاروان‌ها را به آن سمت می‌کشاند. موقعیت جغرافیایی چرام نیز به سبب قرارگرفتن در ایالت «ارجان»، همچنین عبور از این سرزمین برای رسیدن به مرکز کشور، و نیز تأمین کالاهای مهمی که ارزش اقتصادی زیادی برای ارجان داشتند این منطقه را محل گذر جاده‌های تجاری قرار می‌داد.

بارتولد ضمن تأکید بر اهمیت تجاری ارجان و مهم‌تر دانستن این جنبه تجاری از جنبه صنعتی آن، دلیل اهمیت تجاری ارجان را حاصل‌خیزی زمین‌های پیرامون این شهر مهم و نزدیکی آن به دریا و قرارگرفتن آن بر سر شاهراه شیراز به خوزستان می‌داند. وی بخش صنعت را در اهمیت اقتصادی ارجان دخیل نمی‌داند و مراد او از ارجان مرکز شهر است، نه ولایت ارجان (بارتولد، ۱۳۵۸: ۱۸۲). ارجان از نظر جغرافیایی گستره وسیعی را دربر می‌گرفت و به گفته مقدسی «خوره‌ای مهم در دشت و کوه و کرانه دریا» بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۳۰).

راه ارتباطی ارجان به اصفهان بخش مهمی از مسیری بود که اتصال دهنده سواحل خلیج فارس به اصفهان و مرکز کشور به شمار می‌آمد و روستاهای بسیاری در مسیر این راه قرار داشتند و از آن بهره می‌بردند. این منطقه بارانداز کالاها و از آن میان گندم بود و تجار زیادی را به سوی خود می‌کشید. با شکل‌گیری ایالت کهگیلویه و کم‌شدن اهمیت ارجان، از اهمیت تجاری این منطقه کاسته نشد.^{۱۱} فسایی از موقعیت تجاری دهدشت (در هجده کیلومتری چرام)، در حکم یک بارانداز و رابط تجاری فروش کالاهای داخلی و خارجی، چنین گزارش داده است:

از اهتمام معزی‌الیه [سلطان اویس میرزا احتشام‌الدوله] تا سال ۱۲۸۵ (۱۸۶۸ م) نزدیک به ۵۰۰ خانوار در دهدشت مسکن نموده بنای تجارت گذاشتند و چندین کاروان متاع هندوستان را به اصفهان می‌رسانیدند (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۲/ ۱۴۸۸).

اقدام احتشام‌الدوله، حکم‌ران کهگیلویه، بیش‌تر به منظور برقراری امنیت در منطقه برای عبور و مرور کاروان‌ها بود. گزارش‌های منابع گواه آن است که توان تجاری منطقه با برقراری امنیت در راه‌های آن رابطه مستقیم داشت، زیرا منطقه، ضمن این‌که از مواهب بسیار در امر اقتصادی برخوردار بود، توجه راهزنان را نیز به خود جلب می‌کرد.

ابن حوقل، در گزارشی دربارهٔ زموم فارس، به تأمین امنیت کاروان‌ها از سوی فرمان‌روایان محلی می‌پردازد؛ این کاروان‌ها از رم جیلویه و از مسیر چرام می‌گذشتند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳۹).

کاروانیان برای گذر از راه‌های کوهستانی چرام به جاده‌های بازسازی‌شده، عبور از روی دره‌های صعب به وسیلهٔ پل‌ها، و گذر از راه‌های صخره‌ای در دره‌های تنگ نیاز داشتند؛ همچنین همهٔ چهارپایان بارکش نمی‌توانستند این راه را بپیمایند. گاو به در توضیح نظر *نزهة القلوب* دربارهٔ شغل مردم چرام نظر لسترنج را بر دبیرسیاقی ارجح می‌داند و می‌نویسد: «اما این که مردم صرام الاغ پرورش می‌داده‌اند بیش‌تر قابل قبول است و جاده ارجان به اصفهان از وسط این محل می‌گذشته است» (گاو، ۱۳۷۷: ۱۳۲). تجارت روی این جاده با استفاده از چهارپایان بارکش مانند الاغ و قاطر انجام می‌شد و شتر توان رفتن در دره‌ها و نواحی کوهستانی چرام را نداشت.

قسمت کوهستانی چرام، مانند بخش‌های گرمسیری آن، دارای محصولات صادراتی بود. *فارسنامهٔ ناصری* از صادرات محصول درختی به نام حب‌المحلب از ناحیهٔ رون، که چرام سردسیر بخشی از آن بود، به هندوستان خبر می‌دهد: «در ناحیهٔ رون درخت حب‌المحلب که از بادام کوهی خردتر و ریزه‌تر و مغزی خوشبو دارد، فراوان است و از آن خروارها بار هندوستان کنند» (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۶۶۹). حب‌المحلب در آن زمان مادهٔ اصلی ادویه بود و در حال حاضر اهمیت تجاری خود را از دست داده است. صادرات و تجارت بادام کوهی نیز اهمیت ویژه‌ای داشت و از منطقهٔ کهگیلویه به هند صادر می‌شد (دمورینی، ۱۳۷۵: ۳۹). بادام که یکی از درختان بومی چرام است، در کوه‌های معروف به گچ^{۱۲} و ناحیهٔ سرفاریاب رویش طبیعی دارد.

با توجه به موارد یادشده و همچنین توان تولید دامی و کشاورزی چرام و نقش آن در اهمیت اقتصادی این منطقه می‌توان نتیجه گرفت که چرام با توجه به موقعیت جغرافیایی خود نقش مهمی در اقتصاد ارجان قدیم و کهگیلویه بعدی داشته است. از دورهٔ زندیه به بعد، از زمانی که بهبهان مرکز ایالت کهگیلویه و بهبهان شد، این شهر همواره مرکز داد و ستد عشایر بود و نیازهای دامی و کشاورزی بهبهان را تأمین می‌کرد. باور در این باره می‌نویسد:

بهبهان مرکز ایلات جسور و ماجراجوی کهگیلویه و محل داد و ستد آن‌هاست در شش ماههٔ زمستان و بهار دسته‌دسته عشایر و کاروان مواد خام و اغنام و گوسفندان خود را به

اندازه فراوان به بازار آن آورده و در عوض اشیا و اجناس مورد احتیاج خود را تهیه می‌کنند (باور، ۱۳۲۴: ۱۶).

پيله‌وران در اواخر قاجاریه و دوره پهلوی عامل و حلقه ارتباطی بین مردم طوایف چرام و بهبهان، در حکم مرکز تجاری، بودند.^{۱۳} گزارش‌هایی از اجحاف این پيله‌وران در حق مردم چرام ارائه شده است. آن‌ها با وام‌دار کردن کشاورزان و دام‌داران چرامی آن‌ها را همواره مقروض خود نگه می‌داشتند و در فصل برداشت همواره محصول کشاورزان بیچاره را به جای سود پول خود دریافت می‌کردند و اصل را باقی می‌گذاشتند و این رابطه موجب استثمار آنان به دست پيله‌وران می‌شد:

اگر (مرد عشایری) پول نقد نداشته باشد، از یک طرف اجناس را حدود ۲۰ درصد گران‌تر خریده از طرف دیگر بهره‌ای به مجموع خرید اعتباری افزوده می‌گردد. به عبارت دیگر، حدود ۲۰ درصد اجناس مورد نیاز را گران‌تر خریده و ۴۰ درصد هم به پول اعتباری‌اش بهره تعلق می‌گیرد و در مجموع حدود ۶۰ درصد جنس گران‌تر از بازار معمولی برای عشایر مذکور تمام می‌شود، ولی متقابلاً [پيله‌وران] فرآورده‌هایشان را به نسبت ارزان‌تر می‌خرند (صفی‌نژاد، ۱۳۷۵: ۲۷۰).

پيله‌وران هیچ‌گاه پول نقد در اختیار کشاورز یا دام‌دار عشایر قرار نمی‌دادند، بلکه برای او یک اعتبار خرید در نظر می‌گرفتند که فرد عشایر بر اساس آن اعتبار در بهبهان وسایل مورد نیاز خود را تهیه می‌کرد و این رابطه موجب تضعیف اقتصادی مردم منطقه و سودجویی پيله‌وران بهبهانی می‌شد. با سقوط سلسله صفویه، مرکز اداری و تجاری کهگیلویه به بهبهان انتقال یافت (اقتداری، ۱۳۵۹: ۳۹۲) و نقش تجاری بهبهان که پيله‌وران واسطه این تجارت بودند تا پایان دوره پهلوی به قوت خود باقی ماند.^{۱۴}

۹. جاده‌های تجاری چرام

چرام محل عبور راه‌های ارتباطی، تجاری، و اداری مهمی در دوره‌های گوناگون بوده است. مهم‌ترین این راه‌ها عبارت‌اند از:

راه استخر به شوش و بابل: اقتداری معتقد است که این راه از استخر به شوش می‌رفت و از آنجا تا بابل امتداد داشت و در فهلیان ممسنی و حوالی پل پیرین جاده‌ای از آن منشعب می‌شد، که وی آن را شاخه تابستانی می‌نامد، که از جاده اصلی جدا می‌شد و از طریق کوه‌ها به ناحیه زردکوه بختیاری می‌پیوست (همان، ۷۷۶-۷۷۷).

این جاده از طریق ده «انصاری‌ها» و «امیرایوب» به سوی «چاسخار چرام»^{۱۵} ادامه می‌یابد؛ از چاسخار منطقه سردسیر چرام آغاز می‌شود و راه به منطقه آرند و از آن‌جا به دهدشت می‌رسد. سنگ‌فرش‌ها و آب‌انبارهای کنار این جاده را به‌رغم گذشت سالیان دراز و فرسایش به سبب عوامل طبیعی و انسانی هنوز هم می‌توان پی‌گیری و مشاهده کرد. سنگ‌فرش‌های جاده در ناحیه فرزوک (خیرآباد)^{۱۶} در کوه خائیز به‌روشنی امتداد آن را به سوی خوزستان و شوش نشان می‌دهد. اقتداری در پی‌گیری این راه از پل فهلیان به سمت گچساران می‌نویسد:

اما راه اصلی یعنی راه استخر - شوش - بابل از باشت و شاید از روستای کوچکی که امروزه وجود دارد و به نام شوشت (شوش) خوانده می‌شود به درون قلعه شاه بهرام و کوه‌های دیل و قلعه شاه بهمن از دره‌های دیل و مارین و آرو و اسپر و نازمکان (کلیان قدیم) می‌گذشته و به خاک چرام می‌رسیده و از قلعه تلگرد امروزی در خاک چرام به سوی کوه‌های دهدشت می‌گذشته است (همان: ۷۷۷).

آب‌انباری بزرگ در ناحیه تل موشکاروی چرام و همچنین آتشگاه شمس‌آباد و شهر لارندان در دره شاه بهرام در مرز چرام و باشت وجود این شعبه راه را مشخص می‌کند. این راه در ناحیه تمبی چرام به راه شعبه تابستانی چاسخار و جاده ارجان و اصفهان می‌پیوست. این جاده در امتداد خود وارد فرزوک می‌شد و یک شعبه آن به ارجان و شعبه دیگر از خائیز به سوی منطقه بهمئی (لیکک) و از طریق دره ساولک (سروک) به سوی شوش امتداد می‌یافت. البته هنوز در خصوص این شعبه تحقیقات باستان‌شناسی انجام نشده است که جا دارد با توجه به حضور آثار و شواهد، مورد توجه محققان قرار گیرد. هاینس گاوبه جاده فرعی را که به سمت گنبد ملغان باستانی (گچساران) می‌رفت و در آن‌جا به راه اصلی استخر، شوش، و بابل می‌پیوست و تا دوره صفوی نیز مورد استفاده بود، بررسی کرده و آثار گوناگون پیرامون این جاده را شرح داده است. بررسی‌های گاوبه نشان می‌دهد که آثار مربوط به این جاده از دوره‌های ساسانی، اسلامی، سلجوقی، و صفوی باقی مانده و هرکدام از آثار در پیوند با یکی از ابعاد تجاری یا اداری جاده بوده‌اند. هاینس گاوبه می‌نویسد:

جاده مذکور جاده‌ای بود که از دهدشت می‌آمد و پس از عبور از حوالی بهبهان، به جاده ... [ارجان/ بهبهان - خوبدان/ فهلیان] متصل می‌شد. راه مزبور جاده فوق را بر روی پل‌های خیرآباد قطع می‌نمود. این جاده دهدشت را در جهت خاوری ترک می‌کرد و از کنار خرابه‌های کاروان‌سرای از دوره صفویه،^{۱۷} در کیلومتر ۱۴ گذشته و

در کیلومتر ۱۶ به تمبی، جاده فوق‌الذکر و راه مورد بحث یکی می‌شدند. در حالی که جاده اصفهان در تمبی به طرف شمال و تنگ بیره‌زا منحرف می‌گردد. این راه به سوی جنوب و به سمت دره چرام خم می‌شود و در کیلومتر ۲۱ به محل ویرانه‌های قلعه الغه چین می‌رسد ... و بعد از کیلومتر ۳۰ جاده مزبور به دره فشیان وارد می‌گردد. در جهت جنوبی - جنوب باختری و در کیلومتر ۳۴ جاده فوق با آبادی فشیان - تل بابونه تماس می‌گیرد. در همین نزدیکی آثاری از یک آبادی و یک کاروان‌سرا از دوره صفویه نیز مشاهده می‌شود. در سه کیلومتری پشت تل بابونه ویرانه‌های قلعه دوست که مربوط به دوره ساسانیان می‌باشد قرار دارد. مابین کیلومتر ۴۰ و ۴۲ این راه در امتداد دره مرادان کشیده شده و در کیلومتر ۴۲ به رود خیرآباد (نازمنان) می‌رسد. در کناره خاوری این رود امام‌زاده سید جمال‌الدین خرابه‌های آبادی کوچکی از دوره صفویه وجود دارد، در کیلومتر ۵۴ به آرو می‌رسد و در آنجا هم آثاری از دوره سلاجقه و صفویه باقی مانده است (گاویه، ۱۳۷۷: ۲۳۰-۲۳۳).

راه کوهستانی ایالت جبال: از دهانه تنگ بیره‌زا، بین خاک چرام سردسیری و گرمسیری و از کناره دره‌های شرقی قصبه مرکزی چرام (تلگرد)^{۱۸} و ارتفاعات «بناری» و «آرند» دو راه جداگانه به سوی شمال و نواحی که در روزگار اسلامی ایالت جبال خوانده می‌شد، جدا می‌شد که از روزگار صفویه به جاده اصفهان شهرت یافت (اقتداری، ۱۳۵۹: ۷۷۷). «کوه باسیون» در چرام حد فاصل بین دو ناحیه (روستای قدیم) آرند و بناری است و این دو ناحیه در دو سوی آن واقع‌اند. یک شعبه از راه از سوی آرند به چاسخار می‌رفت و از چاسخار به دو شعبه تقسیم می‌شد؛ یک شعبه به پل پیرین می‌رسید و شعبه دیگر از طریق کوهستان‌های سردسیر وارد ناحیه بویراحمد می‌شد و از آنجا به پاتاوه می‌رفت و با جاده ارجان به اصفهان می‌پیوست. شعبه دیگر از ناحیه بناری می‌گذشت و پس از ورود به منطقه باستانی شاه بهرام و گذر از شهر باستانی لارندان، به باشت می‌رسید. این راه باید قدمت زیادی داشته باشد، زیرا در کنار این جاده در دو شعبه آن دژها، سنگ‌فرش‌ها، و آب‌انبارهای بسیاری را می‌توان دید.

جاده ارجان به اصفهان: این جاده سواحل خلیج فارس را به‌ویژه از محدوده بنادر سیراف و ریشهر (بوشهر) به اصفهان پیوند می‌داد و به سبب وجود همین جاده، مقدسی ارجان را بارانداز خوزستان و اصفهان معرفی می‌کند و همچنین *فارسنامه* ناصری دهشت را که در هجده کیلومتری قصبه مرکزی چرام (تلگرد) قرار دارد، بارانداز کالاهای وارداتی و صادراتی می‌نامد. جاده از دهشت به تمبی وارد می‌شد و از تمبی و سادات به پل تاریخی

پاتاوه در بویراحمد، در حوالی کوه دنا، می‌پیوست. این جاده را ناصر خسرو، ابن بلخی، استوکلر، مقدسی، و بسیاری از سیاحان اروپایی دوره صفوی تا قاجاریه بررسی و معرفی کرده‌اند. گاوبه با توجه به گزارش‌های این محققان آن جاده را به دو شاخه تقسیم می‌کند: الف) از ارجان تا سمیرم؛ ب) از سمیرم تا اصفهان. وی بر اساس گزارش‌های پیشینان چند ایستگاه برای این راه مشخص می‌کند که نخستین ایستگاه آن در خاک چرام ایستگاه دلی یاسیر است. گاوبه در توصیف این جاده پس از ایستگاه دلی یاسیر چرام می‌نویسد:

سادات کنونی که در ۳۳ کیلومتری قرار دارد، بایستی که ایستگاه بعدی بوده باشد، سادات با محل قرون وسطایی صرام یکی تلقی می‌شود. مابین سادات و پاتاوه بایستی به این ترتیب ایستگاه شماره چهار، العینیه واقع بوده باشد (گاوبه، ۱۳۷۷: ۲۱۸-۲۱۹).^{۱۹}

این جاده اهمیت تجاری و نظامی داشته و در منابع از اهمیت نظامی آن به دلیل کوتاهی مسیر تا اصفهان سخن به میان آمده است.

۱۰. نتیجه‌گیری

سرزمین چرام با بهره‌گیری از شرایط مساعد طبیعی و جغرافیایی توان‌مندی‌های ویژه‌ای در جنبه‌های کشاورزی، دام‌پروری، و تجارت داشته است؛ برخورداری از زمین‌های مساعد، آب فراوان، اقلیم دوگانه، و واقع شدن در مسیر راه‌های ارتباطی که خوزستان و فارس را به اصفهان وصل می‌کردند و همچنین گذر راه «ارجان به اصفهان» از این منطقه، که سواحل خلیج فارس را به مرکز کشور پیوند می‌داده است، از جمله دلایل اهمیت اقتصادی این منطقه‌اند. جلگه چرام در حکم بخش آباد بلاد شاپور باستانی علاوه بر تولیدات کشاورزی، نقش ویژه‌ای نیز در تولیدات دامی داشت. کوهستان‌های چرام با داشتن مراتع غنی و شرایط مساعد آب و هوایی همواره محل فعالیت عشایر و از مناطق عشایری ایالت فارس و کوره ارجان باستانی بود که منابع بر حضور رم عشایری «گیلویه» در این سرزمین تأکید دارند. شرایط مساعد موجب می‌شد چرام از قرن‌های نخست اسلامی نقش مهمی در اقتصاد ارجان داشته باشد. در منابع تا دوره صفویه می‌توان عسل را به‌مثابه یکی از تولیدات این منطقه ردیابی کرد. دام و مشتقات دامی از دیگر جنبه‌های تولیدی چرام بود. منابع دوره صفویه با مشخص کردن قلمرو جغرافیایی و انسانی چرام بر اهمیت این منطقه در دوره صفویه تأکید دارند. دهدشت که مرکز حکومتی ایالت

کهگیلویه بزرگ بود، جایگاه افشارها به‌شمار می‌رفت و سایر مناطق حومه اغلب در قلمرو چرام بودند و همین گستردگی قلمرو و جمعیت موجب افزایش توان اقتصادی چرام می‌شد. پس از فروپاشی صفویه و اهمیت یافتن مجدد بهبهان، چرام همواره یکی از تأمین‌کننده‌های اصلی نیازهای کشاورزی و دامی بهبهان به‌شمار می‌رفت و بهبهان بازار خوبی برای جذب تولیدات کشاورزی، دامی و دست‌بافته‌های عشایری بود و پیله‌وران واسطه این تبادل اقتصادی بودند.

پی‌نوشت

۱. کوه گیلویه/ جیلویه: ناحیه کوهستانی شمال فارس.
۲. این ایل پس از استیلای مغول به ایران آمدند. برای آگاهی بیشتر درباره این ایل ← دیانت، ۱۳۸۳: ۱/ ذیل «آغاجری».
۳. این ایل از ساکنان بومی منطقه و از مهم‌ترین دسته‌های گُر است. برای آگاهی بیشتر درباره این ایل ← امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۵: ۷/ ذیل «باوی».
۴. ایل جاکلی از ایلات مهم و از ساکنان بومی منطقه و از مهم‌ترین دسته‌های گُر است. برای آگاهی بیشتر درباره این ایل ← ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۷/ ذیل «باوی».
۵. مرزهای کوره قباد (ارجان) در اواخر دوره ساسانی این‌گونه بود:
شمال: رود خرسان (اصفهان) بین استان‌های اصفهان و ارجان حوزه عشایر زم گیلویه؛ شرق: کوه دینار (اصفهان، استخر، شاپور) رود پیرین سر آب سیاه (شاپور)؛ جنوب: رودخانه زهره (اردشیر خوره) ناحیه بین سی‌نیز و مهرویان (اردشیر خوره)، خلیج فارس (گاوبه، ۱۳۷۷: ۱۳).
- تقسیم‌بندی بهاروند از ارجان به دلیل نام‌بردن از مناطق در این خصوص روشن‌تر است: ارجان به دو بخش پشت‌کوه و زیرکوه تقسیم می‌شد که چرام یک ناحیه از پشت‌کوه بود (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۴: ۱۱۴).
۶. واقعه قلندرشاه و ملاهدایت آرنندی در چرام در دوره صفویه و به صورت پیاپی در ناآرامی‌های پس از سلطنت شاه تهماسب در سال‌های ۹۸۵ تا ۹۹۶ ق (دوره سلطنت محمد خدابنده) تا روی کار آمدن شاه‌عباس روی داد و هرکدام تا دو سال در مقابل حکومت مرکزی مقاومت کردند و مناطق گسترده‌ای را تحت تأثیر خود قرار دادند (حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۴۱۴-۴۲۳).
۷. چرام سردسیر یک بخش از رون باستانی (Reven) بود (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۲/ ۱۴۸۵).
۸. حکومت: ۱۲۸۱-۱۲۸۵ و ۱۲۹۱-۱۲۹۸ ق.

۹. گرمرویی در سال‌های ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۱ ق مأمور جمع‌آوری مالیات کهگیلویه و ممسنی بود. وی گزارش کاملی در مورد حاصل‌خیزی چرام و خرابی و مهاجرت دسته‌جمعی ساکنان چرام، بر اثر ناامنی و غارت‌های پیاپی عشایر و حکام منطقه ارائه کرده است. گزارش گرمرویی بیان‌کننده شرایط اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی ایل‌های کهگیلویه در دوره مأموریت او در کهگیلویه است.
۱۰. ریسمان پهن و نقش‌داری که به جای طناب از آن استفاده می‌کردند.
۱۱. بهاروند، کهگیلویه دوره صفوی را شکل گرفته بر ارجان پیشین می‌داند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۴: ۱۱۴).
۱۲. کوه‌های گچ ناهمواری‌های گسترده‌ای در بخش گرمسیری چرام و مرز بین چرام و دهدشت‌اند. پوشش جنگلی غالب این تپه‌ها درخت بادام وحشی است. سرفاریاب یکی از نواحی معتدل کوهستانی چرام است که مسیر جاده ارجان به اصفهان از وسط آن می‌گذشت و ایستگاه «یاسیر» در آن قرار داشت.
۱۳. سالخوردگان محلی، پیلهوران بهبهانی را «دوست» می‌نامیدند. با توجه به این‌که چرام منطقه مستعد کشاورزی و دام‌پروری بود، هر روستا یا اعضای یک طایفه معمولاً با یک یا چند پیلهور روابط تجاری برقرار می‌کردند و معمولاً هر کشاورز فقط با یک پیلهور داد و ستد داشت.
۱۴. فسایی گزارشی از تلاش احتشام‌الدوله حاکم کهگیلویه و بهبهان در سال ۱۲۸۵ ق، برای رونق‌گرفتن دوباره دهدشت داده است که پس از عزل او از حکومت کهگیلویه، دهدشت دوباره به ویرانه‌ای بدل شد (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۴۸۸).
۱۵. چاسخار (Chacakhar) یکی از نواحی کوهستان‌های سردسیر چرام است.
۱۶. فرزوک نام باستانی خیرآباد کنونی است. در این ناحیه آثاری از چهارطاقی ساسانی و پل معروف دوره ساسانی با نام محلی خیری و مخخان قرار دارد.
۱۷. وی در بررسی‌های خود، نشانه‌های اختصاری A را برای دوره باستان پیش از ساسانی، B را برای دوره ساسانی - اسلامی، C را برای دوره سلجوقی، و D را برای دوره صفوی به‌کار برده است که در این‌جا نام هر دوره ذکر می‌شود.
۱۸. در منابع دوره قاجاریه، قریه «تلگرد» را مرکز چرام دانسته‌اند (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۴۸۵). به احتمال، به دلیل وجود تپه باستانی «تلگرد» که قلعه اصلی کلانتران چرام بر آن بنا شده بود، به این نام مشهور شده بود.
۱۹. وی سپس ایستگاه‌های شعبه نخست این جاده و فاصله آن‌ها تا ارجان را به این شرح نام می‌برد:
۱. کنیسه مجوس (۲۵ کیلومتر) = قلعه دز؛ ۲. قریه (۶۱ کیلومتر) = دهدشت؛ ۳. زیز (۱۰۰ کیلومتر) = یاسیر (چرام)؛ ۴. چرام (۱۳۳ کیلومتر) = سادات؛ ۵. عینیه (۱۶۵ کیلومتر) = دره‌گرم؛

۶. نهر (۱۹۷ کیلومتر) = پاتاوه؛ ۷. خردند (۲۲۸ کیلومتر) = میمنه؛ ۸. N. N. (۲۷۰ کیلومتر) = جلگه سمیرم.

منابع

- ابراهیمی، معصومه (۱۳۸۸). «جاکی»، در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۷، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ابن بلخی (۱۳۳۳). *فارسنامه*، به اهتمام گای لسترنج و نیکلسون، تهران: دنیای کتاب.
- ابن حوقل، ابوالقاسم بن محمد (۱۳۶۶). *صورةالارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله (۱۳۷۰). *المسالك و الممالک*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: نشر نو.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۹). *تاریخ ایران در نخستین قرون اسلامی*، ترجمه مریم میراحمدی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد الفارسی (۲۰۰۴). *مسالك الممالک*، بیروت: دار صادر.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۷۲). *ممالک و مسالك*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستر، به کوشش ایرج افشار، بی‌جا: موقوفات افشار.
- افشار، ایرج (۱۳۷۳). *خوزستان و تمدن دیرینه آن*، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اقتداری، احمد (۱۳۵۹). *خوزستان و کهگیلویه و ممسنی*، تهران: انجمن آثار ملی.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۴). *قوم لر، تهران: آگاه.*
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۵). «باوی»، در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۷، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۵۸). *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور، بی‌جا: توس.
- باور، محمود (۱۳۲۴). *کهگیلویه و ایلات آن*، گچساران: بی‌نا.
- تقوی‌مقدم، مصطفی (۱۳۷۷). *تاریخ سیاسی کهگیلویه*، تهران: چاپ و نشر نظر.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی (۱۳۷۸). *جغرافیای حافظ ابرو*، تصحیح صادق سجادی، ج ۲، تهران: مرکز نشر آثار مکتوب.
- حسینی فسایی، میرزا حسین (۱۳۷۸). *فارسنامه ناصری*، تصحیح منصور رستگار فسائی، ۲ جلد، تهران: امیرکبیر.
- حسینی منشی، محمدمیرک بن مسعود (۱۳۸۵). *ریاض الفردوس خانی*، به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- خلف تبریزی، محمد بن حسین (۱۳۶۲). *برهان قاطع*، تصحیح محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- دمورینی، ژ. (۱۳۷۵). *عشایر فارس*، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، تهران: دانشگاه تهران.

- دیانت، علی اکبر (۱۳۸۳). «آغاجری»، در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- رخش خورشید، عزیز (۱۳۴۷). *مونوگرافی چرام*، یاسوج: استان داری.
- شوارتس، پاول (۱۳۸۲). *جغرافیای تاریخی پارس*، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- صراف، محمدرحیم (۱۳۶۹). «جام برنزی کیدن هوتران مکشوفه از»، *مجله اثر*، ش ۱۷.
- صفی نژاد، جواد (۱۳۷۵). *عشایر مرکزی ایران*، تهران: امیرکبیر.
- طاهری، عطا (۱۳۸۸). *کوچ کوچ*، تهران: سخن.
- غفاری، یعقوب (۱۳۷۴). *شناسنامه ایلات و عشایر استان کهگیلویه و بویر احمد*، تهران: روایت.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۳). *آثار البلاد و اخبار العباد*، جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۸۴). *تاریخ پانصدساله خوزستان*، تهران: دنیای کتاب.
- گاو، هاینس (۱۳۷۷). *ارجان و کهگیلویه از فتح عرب تا پایان صفویه*، ترجمه سعید فرهودی، تصحیح احمد اقتداری، تهران: انجمن آثار علمی.
- گرمرودی، میرزا فتاح (۱۳۷۰). *سفرنامه ممسنی*، به کوشش فتح‌الدین فتاحی، تهران: مستوفی.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۶۹). «جام»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، پیاپی ۸ و ۹.
- مجیدی، نورمحمد (۱۳۸۱). *مردم و سرزمین‌های کهگیلویه و بویر احمد*، بی‌جا: بازتاب اندیشه.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر بن محمد (۱۳۷۸). *نزهة القلوب*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: طه.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، ج ۲، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- میرزا سمیعا (۱۳۷۸). *تذکرة الملوک*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: امیرکبیر.
- وصاف‌الحضرة، شهاب‌الدین (۱۳۷۲). *تحریر تاریخ و صاف*، تحریر عبدالمحمد آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یاقوت حموی بغدادی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵). *معجم البلدان*، ج ۲، بیروت: دار صادر.